

پیام پاپ فرانسیس به مناسبت ایام روزه ۲۰۱۶

رحمت می‌خواهم نه قربانی (متی ۹: ۱۳)

اعمال رحمت در مسیر راه یوبیل

۱ - مریم شمایل کلیسا که بشارت می‌دهد زیرا بشارت داده شده است

در رساله یوبیل فوق‌العاده رحمت، دعوت خود را به این معطوف داشتم تا ایام پنجاه روزه این سال مقدس به عنوان لحظات ممتاز برگزاری شده و به تجربه نمودن هر چه بیشتر رحمت خدا سپری شود (شماره ۱۷ سیمای رحمت). با فراخوانی و گوش سپردن به کلام خدا و پیشنهاد اختصاص دادن ۲۴ ساعت برای خداوند، مایل بودم تا توجه را به اولویت قرار دادن شنیدن کلام خدا، مخصوصاً قسمت نبوتی آن نسبت دهم. رحمت خدا بشارتی برای تمام جهان است؛ اما در این بشارت، هر مسیحی برای تجربه نمودن به عنوان شخص اول فراخوانده شده است. برای همین در طول ایام روزه، مبشران رحمت را خواهم فرستاد تا نشانه‌ای از نزدیک شدن به بخشش خدا باشند.

مریم مقدس با پذیرفتن مژده فرشته جبرائیل، در دعای خود، چگونگی الطاف رحمت خدا در قبال خود را، در سرودی ابراز می‌دارد. باکره اهل ناصره، نامزد یوسف، بدین طریق شمایل کامل کلیسا می‌گردد که بشارت می‌دهد. از آنجا که با قدرت روح القدس، رحم باکره او را باردار نمود، مورد بشارت قرار گرفت. در سنت نبوی، رحمت حتی در ریشه‌شناسی کلمه، مربوط به رحم مادر و نیکی سخاوتمندانه، وفادار و مهربان است. که در روابط زناشویی و خویشاوندی به حقیقت می‌پیوندد.

۲ - عهد خدا با انسان‌ها، تاریخ رحمت

راز رحمت الهی، در طول تاریخ در عهد خدا با قوم خویش یعنی بنی اسرائیل، آشکار می‌گردد. خدا، در واقع، همیشه در رحمت دولت‌مند شناسانده می‌شود، در هر شرایط و خطه از زمان، حاضر است تا تمام مهر و عطوفت خویش را به آنان عطا نماید، مخصوصاً در شرایط بسیار ناگوار، زمانی که با نافرمانی رشته‌ی روابط عهد و پیمان از هم گسست و خواهان آن بود تا در عدالت و حقیقتی پایدارتر قبول گردد. اینجا در مقابل یک نمایش واقعی از محبت قرار یافته‌ایم، خدا در نقش پدر و شوهری که به او

خیانت شده است دیده می‌شود، در حالی که اسرائیل در نقش پسر یا دختر و عروس خائن، هست. این تصویر، آشنا به نظر می‌رسد، همان طور که روایت هوشع نبی، ۱: ۲، بیانگر این است که خدا تا چه حد حاضر به برقراری رابطه با قوم خویش است. این نمایش محبت، با فرزند جسم گرفته به اوج خود می‌رسد. در او رحمت بیکران خویش را عطا می‌کند تا حدی که «رحمت تجسد یافته» گردد (سیمای رحمت شماره ۷) از لحاظ انسانی، عیسی ناصری از هر لحاظ، فرزند اسرائیل است. آنقدر که می‌توان در کلمه ی جسم گردیده، فریاد «بشنو» خدا را که هنوز هم قلب ایمان بنی اسرائیل هست، شنید.

ای اسرائیل بشنو، یهوه، خدای ما، یهوه واحد است. پس یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما. (تثنیه ۶: ۴-۵).

فرزند خدا، دامادی است که برای جلب محبت عروس خود هر کاری می‌کند، این رابطه ی عشق بی‌قید و شرط، در رابطه با عروس ابدی او آشکار می‌گردد.

این قلب تپنده مأموریت رسولی است که در آن رحمت الهی از مرکزیت خاصی برخوردار است. «زیبایی محبت رهایی بخش خدا، در عیسی مسیح که مرد و رستخیز نمود آشکار گردید» (شادی انجیل شماره ۳۶). بنابراین رحمت، «رفتار خدا را در قبال گناهکار بیان می‌نماید که به او فرصت دیگری می‌دهد تا به خود بنگرد و تغییر یافته، ایمان آورد.» (سیمای رحمت شماره ۲۱). بدین طریق رابطه مجدد با او برقرار می‌گردد؛ و در عیسی مصلوب گشته، خدا تا حدی می‌رود تا به نهایت دوری جستن گناهکار برسد، جایی که در آنجا گم گشته و از او دوری جسته است، این کار را با امید به نرمی بخشیدن به قلب از سنگ گشته ی عروس خویش انجام می‌دهد.

۳- اعمال پر از رحمت

رحمت خدا قلب انسان را تغییر می‌دهد و تجربه ی محبت وفادار و توانایی رحیم بودن را به او می‌بخشد. رحمتی که بتواند زندگی هر یک از ما را سیراب کند، معجزه ای است، که عشق ورزیدن به همسایه را به ما می‌بخشد، همان نیرو دهنده که کلیسا در سنت خویش، آن را رحمت جسمانی و روحانی می‌خواند. این اعمال به ما می‌آموزند که ایمان ما، در اعمال مشخص روزانه یافت می‌شوند که برای کمک به همسایه در جسم و روح و روان در نظر گرفته شده اند و با تغذیه، بازدید، راحتی بخشیدن، تربیت آنها، قضاوت خواهیم شد؛ بنابراین، آرزو دارم «جماعت مسیحی در طول این یوبیل بر اعمال جسمی و روحی رحمت تعمق نمایند چرا که فرصتی خواهد بود برای وجدان به خواب رفته ما تا در مقابل اوضاع وخیم فقر و تهیدستی، بیدار گردد و هر چه بیشتر

به قلب انجیل نزدیک تر شود، جایی که فقرا از رحمت ویژه ی الهی برخوردار هستند» سیمای رحمت شماره ۱۵). در واقع در فقیر، بدن مسیح مانند بدنی زخمی، تغذیه نشده در فرار... دوباره آشکار می‌گردد تا اینکه توسط ما شناخته شده، لمس و مراقبت گردد (س. ر شماره ۱۵). رنج طولانی مدت بی سابقه در طول تاریخ، از رمز و راز بره بی‌گناه سخن می‌گوید، بوته شعله‌وری که در مقابل آن موسی کفش‌های خویش را درآورد. (خروج ۳: ۵)؛ بیشتر از آن زمانی است که فقیر، خواهر یا برادر مسیح است که به خاطر ایمانی که دارند، رنج می‌برد.

در مقابل محبت بزرگ مانند مرگ، (غزل عزل‌ها ۸: ۶)، فقیر تهی دست، شخصی به نظر می‌آید که وضعیت خود را قبول نداشته باشد. اعتقاد به ثروتمند بودن خویش دارد، ولی در حقیقت، فقیرترین فقرا است. آن شخص به سبب برده ی گناه بودن در این شرایط است، گناه او را وادار می‌نماید که از ثروت خویش در خدمت خدا و یا دیگران استفاده ننماید بلکه، در اعماق خویش آگاهی از اینکه او نیز فقیری بیش نیست را، خفه می‌کند. هر چه بیشتر قدرت و ثروت او بیشتر باشد، همچنان، نابینایی دروغین و فریب‌دهنده ی او نیز بیشتر خواهد شد. او به جایی می‌رسد که حتی نمی‌خواهد ایلعازار فقیر که برای طلب یاری به درب او آمده را نیز ببیند (لوقا ۱۶: ۲۰-۲۱) که نشانه‌ای از مسیح است که در فقرا، تغییر درونی ما را می‌طلبد. ایلعازار فرصتی است برای تغییر که خدا به ما عطا می‌نماید ولی ما قادر به دیدن آن نیستیم. این نابینایی توسط یک احساس والای قدرتمندی همراهی شده است که همان بازتاب شیطانی است «مانند خدا خواهید شد» (پیدایش ۳: ۵) که ریشه و بنیاد هر گناه است. این از خود بیخود شدن می‌تواند اشکال دیگری مانند اجتماعی سیاسی نیز به خود گیرد، همانطور که عقیده توتالیتاریسم (تمامیت طلب) در قرن بیستم نشانگر آن بود، به همان طریق که عقیده ی تک فکری و علم و فن‌آوری نیز مدعی آن است که ادعا به خدا را بی‌ربط دانسته و انسان را وسیله‌ای بیش نمی‌دانند. امروزه نیز برخی ساختار گناه می‌تواند نشان دهد چگونه مرتبط به یک پیشرفت غلطی است که بر پایه ی پرستش پول به عنوان یک بت بنا گردیده است، این امر، سرنوشت فقرا را در نظر جوامع و اشخاص ثروتمند، پوچ و بی‌تفاوت شمرده، درب‌های خویش را بر آنان می‌بندند و حتی از دیدن آن‌ها نیز سرباز می‌زنند.

همه ایام روزه ی این یوبیل، با توسل به کلام خدا و انجام اعمال رحمت، فرصتی ایده آل برای بیرون شدن از این بیگانگی در وجودمان است. اگر توسط اعمال جسمانی، جسم مسیح را در برادران و خواهران مستمند در کمک به تغذیه، پوشاک، مسکن، عیادت از آن‌ها، لمس نماییم و در اعمال روحانی مانند نصیحت کردن، یاد دادن،

بخشیدن، بر حذر کردن، دعا نمودن، می‌توانند وجود گناهکار ما را مستقیم لمس نمایند.

تنها در لمس نمودن عیسی مصلوب گشته در فقیر، می‌توان عطیه‌ی آگاهی از اینکه ما نیز فقیر و مستمند هستیم را دریافت نماییم. در این راه است که متکبران، قدرتمندان، دولتمندان که در سرود مریم مقدس آمده‌اند، فرصت آگاهی از اینکه آنان نیز مورد محبت مصلوب شده، مرده و رستاخیز نموده قرار یافته‌اند را دارند. تنها در این محبت می‌توان پاسخ آن نیاز شادی و محبت ابدی را یافت که انسان تصور می‌نماید بوسیله تصاحب بت‌های دانش و قدرت، به دست خواهد آورد. ولی خطر این نیز وجود دارد که متکبران و دولتمندان با دوری جستن از مسیح خود را محکوم کرده، در خودخواهی و انزوا که پایان آن جهنم هست غوطه‌ور شده و غرق گردند. به همین دلیل، کلمات ابراهیم برای آنان همانطور نیز برای ما همواره یادآوری می‌کنند: «موسی و انبیا را دارند، سخن ایشان را بشنوند» (لوقا ۱۶: ۲۹). این گوش فرادادن ما را برای هر چه بهتر برگزار نمودن جشن پیروزی بر گناه و مرگ داماد که رستاخیز نموده است و می‌خواهد تا عروس خویش را تطهیر نماید و برای بازگشت او آماده باشد، یاری خواهد داد.

در این ایام روزه، فرصت برای تغییر درونی را از دست ندهیم. این آرزو را در شفاعت مریم، باکره مقدس می‌طلبیم که به‌عنوان شخص اول، در مقابل عظمت رحمت الهی که به او عطا گردید، ناچیز بودن خویش را شناخت (لوقا ۱: ۴۸) خود را کنیز ناچیز خداوند دانست (لوقا ۱: ۳۸).

واتیکان ۴ اکتبر ۲۰۱۵
جشن قدیس فرانسیس آوسیزی